

فصل سی و نهم

نگرانی دولت انگلیس از قدرت روحانیون و الغاء امتیاز رژی

چنانکه گفتیم امتیازی را که مالکم از شاه ایران برای تالوت انگلیسی گرفت و مبلغ کلی حق دلالتی در بافت نمود کمپانی رژی هم ششصد و پنجاه هزار لیره سرمایه خود را بکار انداخت و مؤسساتی تشکیل داد که شعب آن در شهرها دایر گردیدند علاوه اینکه پانزده هزار لیره با صرا الدین شاه داد مبلغ زیادی هم بامین السلطان و کامران میرزا داده شد و در حالت احساسی در ایران ملت با هوش ایران خطراتی را در ورود و در حالت احساس احساس کرد و مردم رشیدانه قیام کردند و قدرت روحانیون در همه جا بکار افتاد و شدیداً تحت قیادت و اوامر پیشوایان روحانی که همیشه مدافع کشور بوده اند مخالفت شروع شد و دفاع پرداختند بویژه اینکه پیشوای بزرگ اسلام حاج میرزا حسن شیرازی استعمال دخانیات را حرام کرد طبق آن فرمان بزرگ حاج میرزا حسن آشتیانی در طهران و حاج میرزا حواد آقا عالم بزرگ در تبریز و سایر شهرها و آقا یحیی (شیخ محمد یحیی) در اصفهان در الغاء امتیاز کمپانی رژی و بیرون کردن انگلیسها با فشاری و مبارزه کردند و بهت ملی شروع شد شدت نمود و اثر فتوای روحانیون حتی در اندرون با صرا الدین شاه

و خدمه درباری حسان بود که خدمه علیان که از ساکو آمده میشود و
و شاه بکشیدن علیان عادت داشت تا و بدادند مردم با ایمان کاملاً تحت
معود و فتاوی علماء مذهب بودند

ناصرالدین شاه با تمام قدرتی که داشت سحت معاومت کرد مردم هم بر-
شدت مسازره خود افزودند و بطرف حانه کامران میرزا بایت السلطه
محموم بموده کامران میرزا فرمان تیراندازی داد سر بارها اطاعت نکردند
آقا بالاخان سردار که مرد سفاک و بی ایمانی بود شلیک کرد و عده ای
را کشت علماء اعلان جهاد دادند سمرای خارجی همگی وحشت کردند
مخصوصاً سمر انگلیس و همراهش از همه بیشتر ترسیدند و بشاه
ایران نوشتند که اگر حکم جهاد داده شود یک نفر از ما رنده نخواهد
مسند ناصرالدین شاه و دولت انگلیس هر دو باحار گردیده امتیاز را
لعو کردند و کمپانی رژی در ایران برچیده شد دولت انگلیس پانصد
هزار لیره از دولت ایران حسارت گرفت این قدر و نبود روحانیون را
چگونه درهم شکستند در اوراق بعدی شرح آن میپردازم

عمل دیگری که ملکم ایرانی انجام داد و خدمتی که با انگلیسها
کرد دلای امتیاز درست و کشور برسد دهنده ای بود که با گرفتن
رشته ریادی در سال ۱۲۹۰ قمری سام روتر انگلیسی گرفت و مسابح
اصلی و تولیدی را ماسد کشیدن خط آهن سرتاسری کشوری- تراموای
استخراج معادن استعماده از جنگلها - آباد کردن زمینهای بایر - حفر
قنوات - آسیابها - کشیدن خط تلگراف - ساختن راهها - تأسیس
بانکها - با عملی شدن این امتیاز دیگر چیزی برای مردم کشور باقی

بعی ماند باز ملت با استعداد و مازز به رهبری و پشتیبانی روحانیون
قیام کردند و برصد میرزا حسینعلی خان سپهسالار که این امتیاز را داده بود
سازره نمودند ملکم را کافر و حائن دانسته و سپهسالار معروف گردیده
تعین شد و سالها این ادعا باقی بود بالاخره محررتاسیس بانک انگلیس
در کشور سام بانک شاهشاهی ایران گردید و تاسیس شد که لطمه
بررگی به سپه اقتصادی ملت و دولت وارد آورد - تنها بانک بود که
باقتصادیات کشور صریح وارد آورد تجارت کشور و ملت ایران درست
در اختیار انگلیسها رفت موسسات دولتی و ملی باچار بودند کالاهای
انگلیس را بقیمت گران بخرید در صورتیکه همان کالاهای را با قیمت
خیلی کمتر ممکن بود از کشور دیگری بخرید البته با همان سیاست
مرمور و دست پنهانی احرا و عملی میشد زیرا مقامات عالی کشور را
تحت قدرت و نمود در آورده و در باطن خود محوری کارها بودند ناصرالدین
شاه را حیان در قید سیاست خود فشرده و بیچاره کرده بودند که نمی-
توانست اقدام کافی در اصلاح امور کشور نماید میرزا آقاخان نوری
صدر اعظم تبعه انگلیس بود و طرف داران دیگر ربا داشتند لیدی شیل (۱)
در سیر انگلیس در کنار خاطرات خود می نویسد میرزا آقاخان نوری
بعد از قتل امیر کبیر کاعدی شوهرم نوشت که چون ساهست صدر اعظم
ایران دشوم خواهش نمودم مرا ارتعیت دولت انگلیس معاف نمائید
شوهرم در جواب او نوشت تبعیت دولت انگلیس افبشارش از تاح کیان
بیشتر است

ناصرالدین شاه با اینکه بسیار معرور و مستمند بود به ایحادصایع

۱ - نقل از کتاب دست پنهانی سیاست انگلیس نگارش جان ملک

و عمر آن کشور مایل بود در زمان او با حدیث و اقدام میرزا علیخان -
 امین الدوله و مرتضی قلیخان صبیح الدوله کارخانه قندسازی در کهریزک
 تاسیس گردید و قدم‌ها را در حاسوسان و کارکنان احاب پیرنگ و دسیسه‌ای
 بکار بردند تا آن کارخانه از میان رفت باین نحو که آخوندی را بالای سر کردند
 و او مسلمانان حطاب کرد و گفت قندی که از این کارخانه نما میدهند
 یکی از اجزاء آن حاک استخوان مرده و حرام است مردم هم از کپدو
 سیاست بیگانگان اطلاعی نداشته ، او را کردند و قندان کارخانه را
 بحریدند تا رفته رفته از کار افتاد و از میان رفت در زمان ناصرالدینشاه
 آزادیه‌خواهانی در خارج مشغول فعالیت بودند از جمله آزادیخواهان
 که در زمان سلطنت ناصرالدین شاه وداکاری کردند و خود در این راه
 کشته شدند میرزا آقاخان کرمانی و حاجی شیخ احمد روحی و حاج
 میرزا حسن خان حیرالملک بودند که در اسلامبول با سید جمال‌الدین
 اسدآبادی در راه آزادی اتحادیه اسلامی تشکیل داده و بهر طرف اعلامیه
 میفرستادند میرزا آقاخان و حاجی شیخ احمد روحی را بانی یا بهائی
 گفتند این نسبت تا درجه ای در او ایستل مصداق داشت پس را دختران
 صبح اول را بر بی گرفتند و در سلك ویرقه ازلی در آمدند لیکن بعداً
 با اسلامبول رفته و با سید جمال‌الدین پیوستند از و روه ازلی بر کنار
 شده بدین اسلام در آمدند چون سید دنیا را بدرد گفت نامر ناصرالدین
 شاه در سال ۱۲۷۴ هجری علاءالملک سعیر ایران در اسلامبول این سه
 نفر را از دولت عثمانی حواست و آن دولت هم این سه نفر را دستگیر
 کرد و بایران فرستاد و مدت‌ها در تبریز زندانی بودند تا زمان ولعهدی
 محمد علی میرزا که هر سه را سر بر میدید و در پوست سر آنها کلاه کردند
 و بظهران فرستادند

در زمان ناصرالدین سطح فرهنگ و علوم بالاروت و مردمان داشمند
مانند رضا قلیخان هدایت محمد حسن خان صبیح الدوله - علیقلی میرزا
اعتصام السلطنه - فرهاد میرزا معتمد الدوله کتابها - مابند مجمع الفصحا
فرهنگ انجمن آزادی ناصری - حام حم - مرآت البلدان - متمم کتاب
تاریخ روضه الصفا که همه سب روشنی افکار و زمینه سازی برای
آزادیخواهان بود چون ناصرالدین شاه گذشته شد اوضاع بصورت دیگری
در آمد

فصل چهارم

سلطنت مظفرالدین شاه و انقلاب مشروطیت

در زمان سلطنت مظفرالدین شاه که پادشاهی علیل المراح و بی حال بود اوضاع کشور شدت دگرگون گردید هرح و مرح در تمام کشور رواج یافت دردی و ناامنی بدرجه افراط رسید دست با پاك احاب که از دیر زمانی شالوده انتظامات کشور را درهم فرو ریخته بود از این موقعیت استفاده بیشتر و کامل بر کردید در حالت های طالمانه احاب در پرده استتار و از نظر توده ملت پنهان بود فقط تعریه گردانان سیاست و جاه طلبانی که متصدی مقامات و پست های مهم دولتی بودند اطلاع داشتند به الاحطه سود و مقام شخصی خود افکار عمومی را متوجه خطرات و عواقب و حیم کشور نمی کردند که مبادا انقلاب شود و جاه و مقام آنان متزلزل گردد و آبرو مقتضیات سیاست روز تغییر می کردند در نتیجه تحریکات احاب وضع دولت مرکزی متهدین و سران قوم مالیات به دولت نمیدادند گمرکات و تلگرافخانه ها هم در گرو قروض بود و بلژیکیها در رأس امور مالی قرار گرفته بودند اولاس و ورشکستگی دولت را بحائی رسانیدند که اگر مسیو نورپول نمیداد محارح شاه و دربار بأمین نمیشد چنانکه اعتماد همایون کیلاشاه که از رحال درباری ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه

بود و فعلا در قید حیات است خاطرات خود را در محلات ایران منعکس
 کرد این خاطره در را در محلات مندرج نمود و نوشت روزی در زمان
 صدارت عین الدوله مسیو نور بدیدن شاه رفت در آن روز و راء همه در
 دربار بودند بدون اعتنای درستی نسبت بصدر اعظم و و راء خود را پشت
 در اطاق شاه رسانید و با انگشت صریحی بدر کوفت و وارد اطاق شاه
 گردید سعد الدوله از حمله و راء چون این قسم ورود را مشاهده نمود
 خیلی افسرده شد و عین الدوله صدر اعظم گفت این چه افتصاحی است
 نور هنگامی که من سفیر ایران در بلژیک بودم این آدم چند نوبت آمد
 مرا به نیند موفق شد تا وقتی که از سعادتخانه بیرون میرفتم مرا دید
 و خواهش کرد او را وارد استخدام دولت ایران کنم اکنون می بینم بدون
 اجازه پشت در اطاق شاه با انگشت درگت میگیرد وارد اطاق شاه
 میشود صدر اعظم گفت چه کنیم اگر این پول بدهد خرج شاه و
 دربار لیک است و مسیو نور بلژیکی بعدری تحت دستور احباب و مورد
 حمایت آنان قرار داشت که او را وزیر گمرکات و امور مالی کشور قرار
 دادند و آن عصر کثیف چنان معروف گردید که مقدسات ملی و روحانیون
 مورد احترام ملت را ساد مسخره گرفت با عبا و عمامه شروع بمسخرگی
 کرد اوصاع و احوال دیگر قابل تحمل نبود آراد و خواهان از داخل
 و خارج بهیج شده و بهیج شروع شد چنانکه قبلا بگارش یافت بهیجست
 در زمان عباس میرزا و بعد در زمان محمد شاه و صدارت قائم مقام و سپس
 در زمان ناصرالدین شاه و صدارت امیر کبیر سرچشمه گرفته داشتمندان
 زمان ناصرالدین شاه و پادشاهای خرایندی مانند و زبانه حیل المتین و چهره

بما و انجمن ملی در آلمان وعده زیادی بودید که در راه استقرار آزادی و تشکیلات کشوری قیام کردید

انگلیسها که همیشه از آب گل آلود ماهی گرفته اند برای سه منظور و مقصود مهم سیاسی و اقتصادی بر حسب طساهر با بهت آزادیخواهان همراه شدند اول جلوگیری از پیشرفت و استقرار سلطت محمد علی شاه که در آنوقت ولیعهد و در تریر بود و تحت نفوذ دولت روسیه قرار داشت و شاپشال معلم و مشاور او بود و نفوذ دولت روس در امور تجارت و سیاست بعد و فور رسیده بود قوای تأمینیه در دست بریکاد قراق ولیاحوف روسی قرار داشت

دوم مقصود انگلیسها از هم پاشیدن اوضاع کشور و ضعف کلی قدرت حکومت مرکزی و قوای ملی بود که بتواند امتیاز بهت داری را بدون رادع و مانع به مرحله اجرا و عمل در آورد و این ثروت گرانهای ملی را بلند سر برد

سوم درهم شکستن قدرت و سد سدید روحانیت بود باس بطر که مبادا آن امتیازهاست امتیاز دحایات و کمپانی رژی به بهت و فوای پیشوایان مذهب بر خورد نماید و لغو گردد - برای اجرای این سه مقصود با سه فرقه تماس گرفته و آنان را تقویت کردند اول فرقه بهائی که قائل بوطن محدودی نیستند و حس ایران خواهی در ایشان منتهی است دوم فرقه یهود که با مسلمانان کینه دیرینه و احتلاوی شدید مذهبی دارند سوم آرامه که هم کیش مردم عرب و سیاستمداران متجاوز میباشد آنان را تحت حمایت قرار داده تقویت کردند و در پستهای حساس کشور وارد ساختند - از عناصر پست و فرومایه ای که در هر کشور و ملت یافت میشود حاسوس های حقوق بگیر استخدام کردند و تحت

تعلیمات خود در آورده که با اندک تحریکی شورش و بلوا راه انداخته
 احزاب دروغ بر ضد مصالح عمومی انتشار میدادند - نالستیجه انگلیسها
 هر سه مقصود خود را حامه عمل پوشانیدند محمدعلی شاه را از میان
 برداشتند سد روحانیت و قدرت پیشوایان مذهب را که همه وقت در راه
 شعائر ملی و درحالت احاطه بمسراة حصار آهین بشمار بودند در اثر ایحاد
 بمناق بین ملت شیخ فضل اله نوری به تهمت استمداد با طرف جمعی بکشتن
 رفت و از طرف دیگر آقا سید عبدالله بهبهانی قائد ولیدر مشروطه
 خواهان بیر کشته شد احزابی در کشور سام دم و کرات - و اعتدالی
 تشکیل گردید انگلیسها در اینجا بیشتر استعاده کردند زیرا این احزاب را
 چنان مخالف یکدیگر بفرستادند که هر دو را از میان بردند و هر وقت
 جمعیتی سام حرب در این کشور تشکیل شد حامسوس ها و فیه انگیرانی
 وارد آن جمعیت گردیده با هر وسیله و دسیسه آن جمعیت و حرب را از
 هم متلاشی میکردند چنانکه تا هم اکنون دولت دم - و کراسی ایران
 دارای حرب و تشکیلات حربی نیست و بدون احزاب متشکل پیشرفت
 شایان بسیار مشکل است در هر حال این بهت مقدس را دست بپاکی
 احزاب بصورت اعلان خویشی در آورد که بریان ملت تمام شد لیکن
 آزادیخواهان در مقابل این بیرنگهای سیاسی و درحالت احاطه که میتوان
 گفت از حملات معول و تاناکمتر سود استقامت نموده دستخط آزادی
 و مشروطیت را از مطهرالدین شاه که شاهی خوش قلب و بسیار عدیل -
 المراح بود گرفتند و با اصلاحات پرداختند بعد از مدت کوتاهی مطهرالدین
 شاه رنگامی را بدرود گفت

وقایع مشروطیت را نویسندگان دانا و توانای ایران نوشته اند

نگارنده نتیجه مطالعات خود را بمساست ضرورت استدلال متذکر شدم

فصل چهل و یکم

سلطنت محمد علی شاه قاجار

چنانکه بگارش یافت محمد علی شاه در مدتی که ولیعهد و در
تسیر بود روس ها او را کاملاً تحت نفوذ خود در آورده شاپشال روسی
را معلم و مشاور او قرار داده بودند انگلیسها که سحت از او ناراضی
بودند هنگام ورود ورمام داری او دستگاہ ابتلاحت سروریس بکار افتاد
و از هر طرف آتش انقلاب دامن رده شد زورنامه ها شروع به حاشی ها
کردند هرج و مرج در کشور با جنگهای داخلی شروع شد باز بک حلو
کالسکه شاه انداختند کاری کردند که آن شاه بادیان و بی سیاست تان
تحمیل نداشت و مجلس را نتوانست و آزادی خواهان را کشت و اوصاع
کشور بسیار وحیم گردید و حائیس داخلی هم از فرصت استفاده کردند
و بتحریک احاب بحایات و حوبریریهها دست زدند و هر یک از این حائیس
و حایت کاران مورد تعقیب کبیری ملت واقع می شدند سعادت روس یا
انگلیس پناهنده می شدند و تحت حمایت قرار میگرفتند و فرته آبان
را تقویت کردند و در پستهای مهم و حساس دولتی وارد ساختند و
فرزندانشان را بلدن برده نام تحصیل تربیت کردند که وارث پدران
وفادار خود باشد

در اینجا يك مقصود عمده انگلیسها که عزل محمد علی شاه بود حمامه

عمل پوشید البته در این گونه موارد سیاسی مدرك كسى نمیدهد و
 اسم طاهری هم از آنها در میان نیست در این موقع مثلی بحاطرم آمد
 شخصی شیطان را در جواب دید از او پرسید که این چه سری
 است که تو تمام فساد و فتنه‌ها را مرتکب میشوی و نامی از تو برده نمی-
 شود شیطان لحنی رد و گفت باید امروز با من باشی تا این مطلب
 برای تو روشن گردد آن مرد قبول کرد و باهم رفتند در حانه ای را زدند
 که بستن کاج محلی بود کلفتی در را باز کرد شیطان گفت فلانی اینجا
 است نام صاحب حانه را برد کلفت جواب معنی داد - شیطان گفت احاره
 میدهی در حیاط حانه رفیع هستگی کنیم شاید از باب شمارا هم ملاقات
 کنم کلفت احاره داد قدری استراحت کند بر بر پرواری حیلی درشت
 به میح بسته بود شیطان در بر دیگری میح بر دراز کشید حرده حرده
 پای خود را به میح بردساید و با آن بازی کرد تا میح بر را شل کرد و
 آن میح کنده شد بر فر به و چاق شروع بحستن و دویدن کرد و بطرف
 سرسرا رفت آینه قدی را که در سرسرا قرار داده بودند برعکس خود را
 در آن دید به تصور اینکه بر دیگری است پس رفت و پیش آمد چنان
 کله ای به آینه قدی زد که آنرا شکست شیطان و رفیقش در بیرون آستانه
 در رسید و مشغول تماشا شدند از شکسته شدن آینه کلفت مصطرب گردید
 که جواب از باب و حاتم را چه بدهد چنان سگی بکله بر زد که در دم
 جان داد پسر از باب که علاقه زیادی باین بر داشت چون بر خود را
 کشته دید بکلفت پرحاش کرد و با او گلاویز شد که او را کتک برسد کلفت
 هم دفاع کرد پسر از باب از سرسرا پرت شد و از هم مرد حاتم حانه وارد
 گردید بر و پسرش را کشته دید با اضطراب از کلفت علت را پرسید

کلمت هم موقوف را گمت حاتم دسته هاون را مرداشت و چنان بر ورق
 کلمت کوید که اوهم مرد صاحب حابه وارد گردید دید پسرش و بر او با
 کلمت هر سه کشته شده اند از حاتم پرسید حاتم هم آنچه شده بود شوهرش
 گمت از باب حابه با فریاد حاتم گمت کلمت را چرا کشتی که ما را تعقیب
 کند حاتم هم درشتی کرد از باب چنان لگدی شکم حاتم زد و او هم
 فوراً جان سپرد همسایه ها شیدند به برادران حاتم خبر بردند و گفتند
 داماد شما ریش را کشت برادران زن ما هیچانی مسلح شدید و آمدند
 چون حواهر خود را کشته دیدند شوهر حواهر خود حمله کردند و او را
 کشتند و یک حابواده از میان رفت شیطان رو بر فیتش کرد و گمت دیدی
 من کاری نکردم فقط میخ بر را شل کردم

در اسحا باید گمت انگلیسها هم در ایران کاری نکردند فقط میخ-
 های برها را شل میکردند در زمان محمد علی شاه بیش از هر وقت میخها
 شل شد و اوضاع کشور دچار انقلاب و خو بربری گردید در این تحریکات
 محاسن شوری و نمایندگان ملت را محمد علی شاه بتوپ بست آزاد حواهران
 را بطرز فجیعی کشت در اینها سمرای حیون و شمال که سب ایحادفته
 و انقلاب بودند و بطر آنها این بود که از آن گل آلوده ماهی بگیرند در
 سمارت حابه ها را بار گذاشته بودند که در حال مؤثر را شکار کند یعنی هر کس
 وارد شد و صامن جان و مال او می شدند تا ما و معاهده محکم عمری نکند
 از او حمایت نمیکند و پس از بستن عهد او را تحت نظر حاسوسان
 زیر دست قرار میدادند که امکان فرار برای آنها کمتر بود و در صورت
 وفاداری او را برای همیشه تحت حمایت خود قرار میدادند و تا قبل
 از سوات احیر و رمام داری شاه شاه فقید در پستهای حساس دولتی باقی و

بر خر مراد سوار بودند شخص مورد اطمینانی میگفت محمد علیشاه
قبل از تحصن در سفارت روس قصد داشت خود را تسلیم ملت نماید و
چند نفر هم از وحوه ملت قصد داشتند او را ملاقات کنند و اطمینان بدهند
لیاحوف فهمید و شاه تلعن کرد که تا دو ساعت دیگر بیشتر نمی توانم
مقاومت کنم شاه در خطر است او هم ترسید و سرعت خود را سفارت
رسانید میگوید لیاحوف تطمیع شد و دشوه گرفت سیاست (۱) بیگانه
در این بود که سالار الدوله یاشعاع السلطنه را بحای محمد علیشاه به تحت
سلطنت رسانند

فصل چهل و دوم

سلطنت احمد شاه قاجار

بعد از عزل و پناهدگی محمدعلی شاه به سزارت روس و عمای ملت
ورید ۱۲ ساله او را شاهمی برداشتند و عبدالملک که از مردان سالخورده
قاجار و مورد احترام شاهزادگان بود او را بایب السلطه احمد شاه
قرار دادند موقعیت بهتری بدست بیگانگان افتاد از هر طرف شروع
بمعالیهای محمی و ایحاد فتنه بموده آتش با امی و هرح مرح را دامن
زدند و از قدرت دولت مرگری و اصلاحات امور کشوری بیشتر حلو گیری
کردند عمال دولت روس و انگلیس که در مواردی برای خرابی و از
پای در آوردن ملت ایران با هم سازش میکردند بالایق دولت ایران
را در محاصره گرفته التیمانوم داده بودند که دولت ایران با هیچ دولتی
وارد قرار داد و دادن امتیاز که با سیاست آنان معاشرت داشته باشد
شود و از هر گونه پیشرفت اصلاحی و صنعتی محال میگردید و بدست
محمی هر گونه اقدام را نقش بر آب میساختند چنانکه کارخانه قد
که بریرک را چنانکه گهیم شهرت ایسکه گرد استخوان مرده در این
کارخانه باقد مخلوط و حرام است آرا از کار انداختند صغ الدوله

(مرتضی قلیچان) که مردی دانشمند و سیاستمدار بود بحرم ایسکه می-
خواست با دولت آلمان محرمانه قرار دادی برای کشیدن خط آهن در
کشور با شرایط سودمندی به سدد روز روشن بدست دونهر قفقاری او
را ترور کرده کشتند - دیگر ایسکه دولت ایران که سحت در مصیقه مالی
اوباده بود دست بطرف امریکا دراز کرد و از آن دولت يك نهر مستشار
مالی خواست دولت امریکا مستر شوستر را فرستاد ایمر د شریف و با
همت بلند با کمال دقت و حسن بیت شروع نکاز کرد و در اصلاح امور
مالی کوشید در مدت کم موفقیت‌هایی حاصل نمود و پیشرفت کرد همسایگان
شمال و جنوب عملیات او را مخالف بیات پلید و مصالح خود دانسته بهانه
جوئی‌ها کردند شوستو نهر حا دست زد که مالیات طبقه اول را دریافت
نماید بدست آور ایسکه بستگی با آنها دارد علناً مخالفت و ممانعت
کردند بایسهم اکتفا نکرده عزل مستر شوستر را حدا در طرف مدب
کوتاهی ارد دولت ایران خواستند نمایندگان ملت و اولیای دولت با تهور
و شجاعت آن التیماتوم روس و انگلیس را رد کردند روس و انگلیس
بیرحمانه با فشاری نمودند و روس‌ها به تریر حمله کرده عده‌ای از رجال
و مردم آرادیه‌خواه را کشتند تا قروین و اصفهان وارد گردیده خرابی‌ها
و خسارتها وارد آوردند انگلیسها در جنوب بیر تجاوز کردند دولت
ایران با چار گردید و آمر د شریف و لایق را بر کنار نمود و او
کتابی سام احساق ایران نوشت که آن خود بیر از اسناد و مدارك
روشن برای بحاور همسایگان و چگونگی حوادث آن زمان
خواهد بود

در سال ۱۹۰۲ همسایگان دولت و ملت ایران را از پای در آورده

بودند و از دولت مرکزی هر بامی باقی مانده بود دولتین روس و انگلیس کشور ایران را بین خود تقسیم کردند چنانکه بگارش یافت روس‌ها در شمال و انگلیسها در شیراز بدون اعتنا و احاره دولت ایران قشون تشکیل داده (آ. ا. اس. - پی. - آر) گفتند و ساکس افسر انگلیسی معنا فرمانرمای فارس و جنوب گردید

از آنجائیکه آفریدگار جهان همیشه در مواقع خطیر و طوفانهای مهیب حوادث این ملت باستانی را حفظ کرده و بیرونی استقامت بخشیده تا از زوال و انقراض بر کنار ماند رژیم سلطنت تراری در هم شکسته شد و واژگون گردید هیولای زور و قلدری‌های خود را بر رژیم سوسیالیستی برهبری لنین داد دولت روس در صدد دلجوئی همسایگان خود از جمله دولت ایران بر آمد دولت جمهوری و سوسیالیستی روسیه بحران گذشته معاهدات تحمیلی خود را درباره ایران لغو کرد تا آنکه استقراری خود را با سود و سرمایه بدولت ایران حواله‌مردانه بخشید که هیچوقت ملت ایران آنرا فراموش نمیکند

انگلیسها در مدتی که عمال روسیه مشغول اصلاحات امورد داخلی بودند موقع را معتم شمرده صحبه سیاست ایران درست در اختیار انگلیسها در آمد نقشه‌ای کشیدند که ایران را کاملاً تحت قدرت و استیلای خود در آوردند و در صدد بلعیدن ایران بر آمدند - با حسن وثوق (وثوق الدوله بحسب وزیر ایران که خود آنها او را روی کار آورده بودند معاهده‌ای در سال ۱۹۱۹ امضا کردند که با آن معاهده قشون و مالیه درست تحت امر و قدرت انگلیسها میرفت هر کس میداند حیات و استقلال هر قوم و ملت بسته بهوه سپاه و دارائی است با اردست رفتن این دو قوه

استقلال معنی و مفهومی ندارد با امضا شدن معاهده و احراز موفقیت آرمیتاژ اسمیت انگلیسی را برای اداره کردن امور مالیه وارد طهران کردند نمایندگان ملت و رعایای قوم مردانه قیام و ایستادگی نموده و با تمام قوا در لغو آن معاهده شوم پافشاری کردند تا آن معاهده لغو و محسنت وزیر معرول گردید و بحارح رفت تحاورات طالمانه دولت انگلیس و نقشه های محرب عمال بیرحم بریتانیا به تقدیری است که نتوان شرح داد

آرمیتاژ اسمیت پس از رحمت پیمودن راه دور و دراز کوهستان بختیاری که در آن اوقات راه شوم و اتومبیل روسود و طیاره هم وجود نداشت با لب و لوجه آویران از راه کوهستانی سوار بر قاطر مراجعت نمود خود بگاریده در چهارمحال مرل مرحوم یوسف خان امیر معاهد بختیاری قلعه شمس آباد بودم و آرمیتاژ اسمیت را ملاقات کردم که با قلبی پر از کدورت از آنجا با هوار و سپس عارم لندن گردید. کشور و ملت شعاع ایران صدها امواج مهیب بر رگتر ازین را در طی اعصار و قرون پشت سر قرار داده و با همه مشکلات سیر تاریخی خود را شروع نموده و بطرف مجد و عظمت دیرین خود پیش میرود

در اینجا ممکن است مورد اعتراض واقع شوم بر اینکه ملت ایران آن ملت اصلی و قدیمی نیست مخلوط با اعراب و ترک و نژادهای مختلف گردیده و حالص نمایده در پاسخ باید موضوع را از نظر سازمان طبیعی و کیفیت حب وطن مورد تحلیل و تحریر قرار داد تا خلاف نظریه گویندگان روشن گردد. بحث در این عقیده و نظریه را در دو قسمت و دو صورت میتوان شرح داد یکی از نظر کمیتی و دوم از نظر کیفیتی صورت

اول از نظر کمیت یعنی مواد جسمانی و سلولهای حیاتی است که از مرد در رحم زن جنین تولید میشود و بعقیده ابن سینا که در باب قوه مولده هنی برای تولید مثل میگوید و یا حد من کل عصبو عصوا یعنی از هر عصبو عصبوی بر میدارد چنانکه می بینیم چشمان و اعصاب اعصاب فرزند به پدر شبیه میشود گرمچه های تناسلی (اسپرماتوزوئیدها) همان سلولهای حیاتی هستند و پیرحمین از حوون و دحائر حیاتی مادر چه در رحم و چه در ایام شیرحو ازگی تعدیه میکند این مواد و دحائر همه از حاصلات ارضی و درختی آن سرزمینی است که آن کودک بدیبا آمده است این اثر کمیاتی در وجود افراد برای همیشه باقی و مؤثر است و مادام العمر اثر خود را از دست نمیدهد

و اما قسمت کیفیاتی که در اعصاب و روحیات افراد تأثیر عمیق و دوال ناپذیر دارد این است که چون نورادی به مرحله احساس و تمیز رسید و چشم باز کرد در اول نظر چهره پر مهر مادر را می بیند و صورت زیبای مادر در لوح خاطر و صفحه پاک و ساده دماغی او مانند نقش بر سنگ رسم و نقش میشود که این مهر و خاطره ناشیر در بدن شد و با حیا نادر شود بعد سیمای پر عطوفت پدر را می بیند این نیز در آن لوح منعکس میگردد و اثری در روح فرزند برای همیشه باقی میگردد همین قسم آنچه را از مناظر طبیعی در نظر اول دید از کوه - دره - حبابه و محله تمام مرئیات اولیه را چنان بحاطر میسپارد و در شکیه اعصاب ناصره و صفحه دماغی او ثبت و باقی میماند که مانند مهر مادر در او شدیداً مؤثر است و فراموش شدنی نیست و این خاطرات روحی و علاقه جسمانی یکی از رموز عالم خلقت و شاهکار طبیعت است که آفریدگار جهان و



بحالقی طبیعت خواسته است همه نقاط جهان اعم از حوش آب هوا یا بد
 آب و هوا گرم سیر و سرد سیر معمور و مسکون نماید اگر حب وطن نبود
 و این عربیه نمی بود کسی در آن صحراهای سوزان و بیابانهای خشک
 زندگی نمیکرد اینها مقدمه برای روشن شدن مطلب بود اکنون
 ماضی موضوع میپردازم

اگر فردی از کشور خود مهاجرت کرد و در کشور دیگری
 ساکن گردید و مدتها در آن کشور باقیماند طبق قاعده طبیعی و طایف
 الاعضاء سلولهای حیاتی او پیوسته در دست تغییر و تبدل است یعنی هر
 چهل روز سلولهای پیر میمیرند و سلولهای جوان جایگزین آنها میشوند
 سلولهای جوان از مواد عدائی و بدل مایتهحلل که از حاصل ارضی آن
 کشور بوده تولید گردیده و اگر مدت بسیار طولانی شود تمام سلولهای
 اصلی تغییر حاصل نموده این کشور و آب و خاک را وطن دوم خود
 میدانند و اگر در مدت اقامت فردی برای او شود بطعه این فرد از
 بدل مایتهحلل و مواد عدائی کشور مسکونی ابعاد یافته و چون بدینا
 میآید همان قسم که شرح داده شد از نظر کمیات و سلولهای حیاتی و هم
 از نظر کیفیات روحی شدت تحت تأثیر عوامل حوی و تعبیرات بژادی
 قرار میگیرد و اگر فرد او بزرگ و دارای فردی شد یا تسلسل
 پیدا کرد آن بژاد مولود همان کشوری است که در آن آب و خاک بدینا
 آمده و کاملاً دارای مرانا و خصوصیات است که افراد آن آب و خاک
 دارند چنانکه می بینیم در کشور ایران سادات عرب بژاد یا افراد ترك
 بژاد هستند و مانند ایرانیان اصیل ایران را مادر خود دانسته و در راه

همین حساساری میکند یا مردم کشور آمریکا مرکب از چندین ملت و
نژاد آمریکا را مادر خود میداند و در عظمت آن میکوشند سایر این
احتلاط نژاد معاً و مضمومی ندارد همه افراد این آن و خاک ایرانی
نژاد و دارای مرایا و خصوصیات مخصوص خود هستند اصل مقتضیات
آن و خاک و عوامل حوی است

فصل چهل و سوم

مردان بزرگ و با سیاست ایران چگونه کشته شدند

از يك قرن و نیم پیش که کشور ایران صحنه کشمکش سیاسی و میدان رور آزمائی بیگانگان گردید چنانکه قبلاً بگارش یافت ملت ایران در نتیجه عذر و فریب و عهد شکنی ها از پای درآمد و دستخوش تجاوز و اعمال نمود واقع گردید و از هر طرف صورت خرد کسده ای بحیثیات این ملت باستانی وارد آوردند و هر فرد ممتاز و سیاست مدارى را که حار راه و مخالف پیشرفت خود میدیدند بهر وسیله و بیرنگ او را بادت حائین داخلی از میان بر میداشتند این ست شوم تا قرن اخیر جاری بود - اول قربانی را باید حاحی انراهم حان اعتماد الدوله دانست که ۱۴ سال با قدرت صدارت کرد و امور کشور را بحوبی اداره نمود در (۱) سال ۱۲۱۴ زمانی که لرد ولسلی (۲) در هندوستان حکومت میکرد زمان شاه نواده احمد حان درانی هندوستان حمله کرده بود مهديعلی حان نماینده کمپانی هند شرقی را با پول زیاد و اعتبار کافی بایران و دربار فتحعلی شاه فرستاد نقشه این بود که دولت ایران با فغانستان سپاه بفرستد و باس وسیله زمان شاه با فغانستان برگردد بحالتهایی شد

۱- نقل از کتاب تاریخ ایران بگارش عباس اقبال صفحه ۳۶۱

۲- welleslay

مهدیعلی خان با حرج کردن پول زیاد نقشه لرد ولسلی را عملی کرد
اعتماد الدوله با نقشه برادر کشی مخالف بود با میرزا شعیب
مادد را بی سد و سستی شد آن پیر مرد حیلہ بار با نقشه شیطانی که
بدون تحریک بود اعتماد الدوله را با طرز فحیعی در سال ۱۲۱۵ بکشتن
داد

قربانی دوم راد مرد بزرگ قائم مقام فراهانی و در بر بی بطیر محمد
شاه قاجار بود که شرح حال و سوغ سیاسی او را نویسدگان توانا
بوشه اند و عملیات در حشاش او را تاریخ ایران با خطوط در حسته ثبت
نموده در اینجا بیر شمه‌ای را متذکر میشویم

حسن تدبیر و سوغ سیاسی این مرد بزرگ به تحت و باح رسانیدن
محمد شاه بود که در میان آن همه فرودان بزرگ فتحعلی شاه پسر راده
او را به تحت شاهی رسانید و آن مواع بزرگ راد میان برداشت که
باید آنرا معجره سیاسی گفت در موقعیکه پسران فتحعلی شاه هر یک
خود را وارث تحت و باح دانسته و عمال خارج آیان را فریخته و پشت
گرمی دولت متنوعه خود امیدوار ساخته و برای تحریر ایران هر یک را
نقسمتی از کشور حکومت مستقل وعده داده بودند چنانکه بعد از مرگ
فتحعلی شاه هر فردی از آیان در نقطه‌ای پرچم شاهی برافراشت و دعوی
استقلال و تحریر نمود هور محمد شاه در تبریز بود علیحده ظل السلطان
در طهران تحت سلطنت را اشغال کرد و خود را یاد شاه اعلام نمود و سکه
سام خود زد حسینعلی میرزا فرمانروا در فارس پرچم شاهی بلند کرد
و سکه سام خود زد حسینعلی میرزا شجاع السلطنه یرد - کیرمان
بلوچستان را هر فرمانروایی خود قرارداد - محمدقلی میرزا ملک آرا

حطه ماربدران را قلمرو خود قرار داد و سکه شاهی زد - در اینجا باید دانست چه قوه و نیروی تدبیر لازم است که این مشکلات را در میان بردارد

قائم مقام (میرزا ابوالقاسم) فراهانی تمام این مشکلات را در میان



برداشت و نقشه تحریره ایران را نقش بر آب کرد محمد شاه و قائم مقام هنوز در راه تبریز بطهران بودند که ظل السلطان مدعی شاهی در اندرون خود دستگیر شد و زندانی گردید رسیدن محمد شاه فرمان داد او را بکشید دختران فتحعلی

قائم مقام سیاستمدار بزرگ ایران

شاه واسطه شدید از کشتن بعات یافت قائم مقام برای سرکوبی فرمانها موچهرخان معتمدالدوله را با سپاهی محمدر بطرف فارس فرستاد پس از جنگهای حوین او را دستگیر کرد و تحت الحفظ او را بطهران فرستاد و برندان افتاد رضاقلی (۱) میرزا ولیعهد حسینعلی میرزا

۱ - ۲ - نقل از کتاب دست پنهانی سیاست انگلیس در ایران نگارش

جان ملک صفحه ۱۰ و صفحه ۵۹ حطی کتابخانه ملک ،

فرمانها به پشت گرمی قونسول انگلیس عازم بوشهر گردید و از آنجا با
دو نفر از برادران خود بحضرت علی میرزا و تیمور میرزا بلندن رفت دولت
انگلیس برای هر يك ماهیانه سیصد تومان مقرری معین کرد و آنها را
به بغداد فرستاد

رضاقلی میرزا در سفرنامه خود بلندن می نویسد در حیات فتحعلی -
شاه از روابط پدرم بادولت انگلیس استحصال یافت پدرم را بطهران
خواست چون بامر شاه عازم طهران گردید این وصیت نامه را نوشت و
به من داد و بدین مضمون اکنون که شاه بحربی تولای ما را بدولت
انگلیس میداند و اعتمادی بنا و توحشی نامورات ما ندارد لذا مصلحت
بر آنست که آن فرزند به بوشهر رفته قراردادی محکم و عهدی مستحکم
با دولت علیه انگلیس به سدید و قلعه بوشهر را از حیث آذوقه و مستحفظ
توپخانه آراسته لشکر دشتی و دشتستان و کوهلکوئیه عربستان را جمع -
آوری نموده مستعد و مطبوط بشسته حسابچه بر حسب تمنا از دربار
پادشاهی مراجعت نمود و فیها والا اگر شاه فارس آمد بحالی رای ما
اموراتی را مقرر نمودند بعد از مراجعت موکب همایونی آنهر ریدلشکر
آراسته چون آتش سوزان از جای حرکت کرده خشک و تر را سوخته
عرضه را بر ساکیس آن بلاد تنگ سازد تا دستور سرکاری به آن فرزند
بر

شجاع السلطنه و دیگر شاهزادگان یاعی و عاصی همه در این اقدام
و تدابیر سیاستمدار نامی (قائم مقام) دستگیر شدند و در اردبیل بریدان

۱- نقل از کتاب دست پنهانی سیاست انگلیس در ایران نگارش خان ملک

صفحه ۱۰ و صفحه ۵۰۴ نسخه خطی کتابخانه ملک

افتادند لیکن بعد از قتل قائم مقام همه آنها بدستگیری عمال دولت انگلیس از زندان بیرون آمدند دولت انگلیس ب همه آنها ماهیانه و برای هر يك محارح کافی مقرر داشت و فرزندان آنها هم بعد از پدران سالها آن محارح و مقرری را دریافت میداشتند

اینگونه اقداماتی که سیاستمداران ایران برصدهود و قدرت سیاسی احباب نیکار میرد بعض و عداوت دشمنان ایران را که بوی برای این کشور علاقمند بودند و از هر طرف نقشه برای ایجاد بغاقت و حرابی طرح میکردند تا موفق سا بودی آن را در مرد بزرگ گردیدند

محمدحسن خان اعتماد السلطنه در کتاب خود سام (رویای صادقانه) می نویسد خدا و حلق داد که ترتیب نظام و نظم هر چه در ایران از واسط سلطنت حاقان تا از واسط سلطنت محمد شاه ظهور و وجود یافت همه بکار دانی پدرش میرزا بزرگ قائم مقام و حسن تدبیر خودش بایان و تقریری که سبحان سپر اندارد و با اششائی که حریری خود را پنهان سازد مدعیان ولی نعمت خود را متقاعد نمود و گویی از آن میدان سیاست و بلاغت بود که زقبان بل حبیباش او را ساحر خواندند و در جادوگری او سخن ها را اندیدند مگر سحر حر این میکند که چند عشره فرزند بلا فصل حاقان که هر يك خود را از احاد الوی میدانستند از حق سلطنت خود دست کشیده و خون پاشکستگان در گوشه و حائمی خریدند و از کارهای او و پدرش بشکیل قشون معظم نظامی است که در تریب ترتیب دادند و اساس و اساسی بیکو بر آن نهادند مهارت او در امور سیاسی و تدابیر او مشهور است در دانش و پیش او احدی حرفی ندارد

قائم مقام در امور کشوری و لشکری اقدامات برحسته و کافی نمود